



University of Tehran press

Mechanism of poetry translation: A case study of versified translation



Mostafa Shahiditabar ✉*  0000-0002-8148-0434

Department of Foreign Languages, Imam Sadiq University, Tehran, Iran, Email: shahiditabar@isu.ac.ir

ABSTRACT

Translation of poetry has been a subject of scholarly interest for centuries. It poses numerous challenges, including the difficulty of conveying the poet's intended meaning, preserving the poetic form and structure, and retaining the emotional impact of the original work. The primary purpose of this study is to gain a deeper understanding of the translation process, particularly when dealing with poetry. By employing Conrad Potter Aiken's analytical approach to translation, this research seeks to shed light on the cognitive aspects involved in the transference of poetic meaning from one language to another. Through a case study of the translation of "When You Are Old" into Azerbaijani Turkish, the study aims to explore the intricate decisions and creative adaptations that the translator had to make while preserving the essence of the original poem. In the second attempt, the translation of "When you are old" is compared with some translations in Azerbaijani Turkish (Sabir's translation of Hafiz), Persian (Nasime- Shomal's translation of Sabir), and English (Fitzgerald's translation of Khayyam) to present a crosslinguistic analysis of poetic translation to study the qualities of successful poetic translations. The results of the paper showed that translators of poetry, to achieve a successful translation, must be successful in transferring both form and content. The conveyance of meaning in poetry translation can be similar to the conveyance of meaning from any text, and if the translator masters both languages, it can be possible. However, to convey the form, the translator must be a poet. The investigations of Turkish, Persian, and English translations showed that mastering the respective prosody is not enough, and the translator must possess poetic wit and he must be a poet himself. This study also showed that the poetic translation can be successful if it looks like a poem in the target language. Moreover, one of the criteria for examining and investigating the translation is referring to the successful translations of that language.

ARTICLE INFO

Article history:
Received: 24 June 2023
Received in revised form
09 October 2023
Accepted: 19 October 2023
Available online:
winter 2023

Keywords:

versified translation, poetry creations, Conrad Potter Aiken, Azerbaijani Turkish.

Shahiditabar, M. (2023). Mechanism of poetry translation: A case study of versified translation. *Journal of Foreign Language Research*, 13 (4), 613-624. <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.361263.1047>.



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.361263.1047>.

* Mostafa Shahiditabar is an assistant professor of linguistics at Imam Sadiq University. His research of interest are linguistics and literature.



سازوکار ترجمه شعر: مطالعه موردی ترجمه منظوم شعر



مصطفی شهیدی تبار* ✉

id 0000-0002-8148-0434

گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران. رایانامه: shahiditabar@isu.ac.ir

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۲
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان

ترجمه شعر، الهام شعری، ویلیام باتلر ییتس، کنراد پاتر
آیکن، شعر ترکی آذربایجانی.

چکیده

ترجمه شعر در طول سالیان گذشته موضوع موردتوجه پژوهشگران بوده و با چالش‌های فراوانی از جمله دشواری در انتقال معنا، حفظ فرم و ساختار شاعرانه و نیز حفظ تأثیر عاطفی اثر اصلی مواجه بوده است. هدف اصلی این مقاله به دست آوردن درک عمیق‌تری از فرایند ترجمه، به‌ویژه ترجمه شعر است. تحقیق حاضر با به‌کارگیری رویکرد تحلیلی کنراد پاتر آیکن در ترجمه (۱۹۱۷) به دنبال روشن کردن جنبه‌های شناختی دخیل در انتقال معنای شاعرانه از زبانی به زبان دیگر است. برای نیل به این مهم، پژوهش پیش روی از طریق مطالعه موردی ترجمه شعر «When You Are Old» سروده ویلیام باتلر ییتس به زبان ترکی باهدف بررسی تصمیمات پیچیده و اقتباس‌های خلاقانه‌ای انجام می‌شود که مترجم باید با حفظ جوهر اصلی شعر انجام دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مترجم شعر برای دستیابی به ترجمه موفق باید در دو حوزه انتقال معنی و حفظ فرم شعر فعالیت نماید. انتقال معنی همانند دیگر متون بوده و در صورت تسلط مترجم به زبان مبدأ و مقصد به شکل کامل اتفاق می‌افتد. اما برای انتقال فرم شعر، مترجم لاجرم باید در زبان مقصد در هیئت یک شاعر ظاهر شود. بررسی اشعار ترجمه شده در زبان‌های ترکی (ترجمه صابر از حافظ)، فارسی (ترجمه نسیم شمال از صابر) و انگلیسی (ترجمه فیتزجرالد از خیام) نشان می‌دهد که مترجمان موفق اشعار، شعرای موفق نیز هستند. به‌عبارت‌دیگر، تسلط تنها بر عروض و ساخت‌های شعری در زبان مقصد مکفی نبوده و مترجم باید حتماً ذوق شعری داشته و حتی شاعر نیز باشد. این مطالعه نشان می‌دهد که اگر شعر ترجمه شده در زبان مقصد به‌عنوان شعر بومی آن زبان مقبول افتد، آنگاه ترجمه شعر موفق بوده است. همچنین، یکی از ملاک‌های سنجش کم‌وکیف موفقیت ترجمه ارجاع به ترجمه‌های موفق آن زبان، همانند سه نمونه‌ای است که در این پژوهش بررسی شده‌اند.

شهیدی تبار، مصطفی. (۱۴۰۲). ساز و کار ترجمه شعر: مطالعه موردی ترجمه منظوم شعر. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۳ (۴)، ۶۱۳-۶۲۴.

DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2023.361263.1047.



The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2023.361263.1047.

*مصطفی شهیدی تبار استادیار زبان‌شناسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام است. حیطه‌های تحقیقاتی مورد علاقه او زبان‌شناسی و ادبیات می‌باشد.

۱. مقدمه

ترجمه شعر در طی قرون گذشته موضوع مورد توجه پژوهشگران متعددی بوده و هدف پژوهش حاضر بررسی سازوکار ترجمه شعر می‌باشد. این مطالعه از چهارچوب تحلیلی **کنراد پاتر آیکن**^۱ (۱۹۱۷) برای بررسی روند ترجمه شعر استفاده می‌کند. تمرکز اصلی تحقیق پیش روی بر ترجمه شعر «When You Are Old» سروده **ویلیام باتلر بیتس**^۲ (۱۹۷۷) به زبان ترکی است. با استفاده از تعریف شناختی کنراد پاتر آیکن در مورد منبع الهام شعر، تحلیلی جامع از شعر ترجمه شده ارائه می‌شود. بخش پایانی مقاله حاضر به بحث و ارزیابی موشکافانه ترجمه مذکور می‌پردازد.

ترجمه شعر مجموعه‌ای از چالش‌های منحصر به فرد را برای زبان‌شناسان و محققان ایجاد می‌کند. شعر، برخلاف نثر، به شدت بر الگوهای ریتمیک، صنایع ادبی و تفاوت‌های ظریف زبانی متکی بوده و این امر سبب می‌شود تا هنگام انتقال به زبان دیگر به شکل دقیق دارای پیچیدگی و دشواری‌های خاص خود باشد. در طول تاریخ، شعرا و مترجمان با این پرسش دست‌وپنجه نرم کرده‌اند که چگونه می‌توان با حفظ جوهر اصلی و زیبایی ذاتی شعر آن را به بافت فرهنگی و زبانی متفاوت منتقل کرد. این مطالعه با بررسی ترجمه شعر «When You Are Old» ویلیام باتلر بیتس به ترکی سهمی هر چند کوچک در فهم بهتر دانش موجود در این حوزه پژوهشی خواهد داشت.

هدف پژوهش

هدف اصلی این مطالعه به دست آوردن درک عمیق‌تری از فرایند ترجمه، به‌ویژه ترجمه شعر است. این تحقیق با به کارگیری رویکرد تحلیلی کنراد پاتر آیکن در ترجمه، به دنبال روشن کردن جنبه‌های شناختی دخیل در انتقال معنای شاعرانه از زبانی به زبان دیگر است. پژوهش پیش روی از طریق مطالعه موردی ترجمه شعر «When You Are Old» به ترکی باهدف بررسی تصمیمات پیچیده و اقتباس‌های خلاقانه‌ای انجام می‌شود که مترجم باید با حفظ جوهر اصلی شعر انجام دهد.

بیان مسئله

ترجمه شعر با چالش‌های متعددی مواجه است، از جمله دشواری در انتقال معنای مورد نظر شاعر، حفظ فرم و ساختار شاعرانه و حفظ تأثیر عاطفی اثر اصلی. علاوه بر این،

تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، پیچیدگی بیشتری به فرایند ترجمه می‌افزاید. این مطالعه به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات کلیدی زیر می‌باشد: (۱) مقایسه ترجمه شعر «When You Are Old» ویلیام باتلر بیتس به زبان ترکی از نظر معنا و تأثیر احساسی با اصل آن چه نتایجی را به دست می‌دهد؟ (۲) مترجم چه راهبردهای شناختی و تصمیمات خلاقانه‌ای را برای انتقال مؤثر جوهر شاعرانه اثر اصلی به کار گرفته است؟ (۳) چهارچوب تحلیلی کنراد پاتر آیکن در مورد ترجمه تا چه اندازه‌ای بینش‌های ارزشمندی را در مورد فرایندهای شناختی درگیر در ترجمه شعر ارائه می‌دهد؟

اهمیت پژوهش

این مطالعه از آن منظر دارای اهمیت است که به درک پیچیدگی‌های ترجمه شعر کمک خواهد کرد که این پیچیدگی‌ها جنبه‌های مهم از ارتباطات بین فرهنگی و نقد ادبی محسوب می‌شوند. با کاوش در ترجمه شعر «When You Are Old» از دریچه تعریف شناختی کنراد پاتر آیکن، این مطالعه می‌تواند راهبردها و فنون مورد استفاده مترجمان را برای پرکردن شکاف‌های زبانی و فرهنگی روشن کند. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مترجمان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به ادبیات آینده را از چالش‌ها و امکانات ترجمه مؤثر شعر آگاه سازد. در نهایت، هدف این مطالعه افزایش فهم و حفظ آثار شاعرانه در مقیاس بین‌زبانی از یک سو و عمق بخشیدن و درک ارتباط بین فرهنگ‌های متنوع از سوی دیگر است.

۲. پیشینه تحقیق

مروری بر ادبیات تحقیق در ایران نشان می‌دهد مطالعات متعددی پیرامون موضوع ترجمه صورت پذیرفته است. برخی محققین ترجمه را به مثابه تهاجم می‌پندارند (منصفی و همکاران: ۱۴۰۲) و برخی دیگر مترجم را به عنوان کنشگر اجتماعی قلمداد می‌کنند (مقدم چرکاری: ۱۴۰۱). برخی دیگر از محققین بر این باورند که در ترجمه این احتمال وجود دارد که خصوصیات آوایی از زبان مبدا در رسم‌الخط زبان مقصد ظهور نماید (فرهادنژاد: ۱۳۹۸). اما نگاهی اجمالی به مطالعات مربوط به حوزه ترجمه ادبیات حاکی از آن است که ترجمه شعر خاصه ترجمه موزون شعر توسط تعداد اندکی از پژوهشگران مورد کنکاش قرار گرفته است. از میان آثاری که به موضوع

^۱ C. A. Aiken

^۲ W. B. Yeats

ترجمه شعر پرداخته‌اند می‌توان به مقاله **زند رحیمی و همکاران** (۱۳۹۹) اشاره نمود. این مطالعه انتقال مؤلفه‌های پایداری در فرایند ترجمه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسندگان در تلاش‌اند تا ترجمه انگلیسی سعید سعیدپور از اشعار فارسی قیصر امین‌پور را دست‌مایه قرار داده و میزان موفقیت مترجم را در انتقال معنی بسنجند. این مطالعه نشان می‌دهد که مترجم تنها آثاری که می‌تواند تحت‌اللفظی معنی را انتقال دهد ترجمه می‌کند و در بخش‌هایی که نیاز به انتقال معنی به شکل کامل بوده، شعر فقط به شکل ظاهری ترجمه شده و روح موضوع نتوانسته به زبان مقصد منتقل شود. نویسندگان بر این باورند که عدم توجه به جامعه مقصد و نیز بر چندمعنایی از نقاط ضعف ترجمه موردنظر است. در سوی دیگر، یکی از مطالعات به بررسی ترجمه شعر از فارسی به روسی و میزان موفقیت مترجم در انتقال صورت زبانی در شعر، خاصه آهنگ شعر، پرداخته است. **غلامی و همکاران** (۱۳۹۱) در مطالعه خود نقد و بررسی آواشناختی ترجمه یک شعر از حافظ به زبان روسی را موردتوجه قرار دادند. این مطالعه نشان می‌دهد که بی‌توجهی به ویژگی‌های آوایی شعر در ترجمه موجب می‌شود تا معنی به شکل کامل انتقال نیابد. به عبارت دیگر، پیام و مضامین موجود در غزل مورد بررسی از حافظ با وزن شعر و تعداد اصوات (واکها و همخوان‌ها) و وزن عروضی شعر ارتباط تنگاتنگ دارد و معانی از ارتباط زیرکانه و هنرمندانه واکها و همخوان‌ها متأثر است و مترجم روس آن‌چنان که باید، نتوانسته با این ویژگی‌های آوایی و موسیقایی ارتباط برقرار کند. در کنار دو مطالعه مذکور که در زبان‌های فارسی، روسی و انگلیسی صورت پذیرفته بود، **بشیری و محمدی** (۱۳۹۷) ترجمه شعر در زبان‌های فارسی و عربی را موردتوجه قرار داده‌اند. این مقاله رویکرد لغوی در ترجمه که شامل هفت بخش است در ترجمه شعر فارسی و عربی سنجیده و به این نتیجه می‌رسد که شش رهیافت لغوی در ترجمه شعر بین این دو زبان کارآمد بوده و ترجمه سپید ناکارآمد است. این شش رهیافت کارآمد از این قرار است: ۱) واجی یا آوایی، ۲) تحت‌اللفظی، ۳) موزون، ۴) شعر به نثر، ۵) مقفأ، ۶) تعبیر. یکی دیگر از مطالعات مربوط به حوزه ترجمه شعر مقاله **جوادیپور** (۲۰۰۹) می‌باشد. نویسنده در مطالعه خود بر این باور است که ترجمه موفق شعر حاصل همکاری تنگاتنگ مترجم با شاعری آگاه به علم عروض است. این مطالعه ترجمه منثور

شعر را آخرین راه موفقیت در ترجمه شعر می‌داند. به عبارت دیگر، این مطالعه با پذیرش ترجمه‌پذیری شعر راهکار موفقیت در آن را همکاری مترجم و شاعر از یک سو و نیز انتخاب شکل منثور به‌عنوان فرم زبان مقصد از سوی دیگر می‌داند. ادبیات پژوهش در حوزه ترجمه موزون شعر غنی نبوده و بیشتر مطالعات حول همین استدلال‌ها می‌چرخد. اما نکته‌ای که در این بین جای خالی آن احساس می‌شود نبود مطالعه‌ای است که از سازوکار ترجمه شعر و نحوه خلق آن توسط مترجم سخن به میان آورد. به عبارت دیگر، بیشتر مطالعات در ادبیات تحقیق، ارزیابی ترجمه‌های شعر است تا نحوه شکل‌گیری ترجمه.

۳. روش تحقیق

کنراد پاتر آیکن، شاعر و منتقد ادبی اهل ایالات متحده آمریکا در مقاله خود به سال ۱۹۱۷ به ارائه سازوکار الهامات شعری می‌پردازد. او ابتدا به نقل از فروید، شعر را همانند خواب نتیجه سرکوب و آزادی عقده‌ها می‌داند (آیکن، ۱۹۱۷: ۹۱۷). آن‌گاه، به دیدگاه کاستیلوف^۲ اشاره کرده و می‌گوید نگارش شعر همانند تکلم فعالیتی ذهنی و مغزی است. دیدگاه مذکور منطبق با این نظریه است که کلمات زبان همانند دیگر برداشت‌های حسی از تعامل با وقایع زندگی نشئت گرفته و در ذهن آدمی ذخیره شده و بسته به نوع محرک بیرونی ممکن است بروز و ظهور یابد (همان: ۹۱۸). کاستیلوف با مفروض دانستن این نظریه زبانی از تعدادی از شعرای فرانسوی زبان خواست تا منبع الهامات شاعری را به رشته تحریر درآورند. وی از آنان خواست تا از رمزوراز خلق شعری خود پرده بردارند (همان: ۹۱۸). پاسخ شعرای مذکور فرانسوی در وهله نخست متفاوت از یکدیگر بود. برخی‌ها از موسیقی شعر سخن گفتند و برخی دیگر از تصاویر اما همه پاسخ‌دهندگان به نکته‌ای واحد اشاره کرده بودند: منبع خلق شعر، محرکی خارجی است. این محرک باعث خلق کلامی بداهه شده که متناظر با آن محرک است. همچنین، خود شاعر نیز بر این موضوع واقف است. کاستیلوف آنگاه به بررسی موشکافانه اشعار این شعرا همت گماشت و به این نتیجه رسید که ارزش و بار عاطفی اشعار سروده شده از میزان عاطفه اولیه که منجر به خلق شعر شده بیشتر است. به عبارت دیگر، محرک اولیه همانند یک فنر عمل کرده که باعث حرکت قدرتمند احساسات شاعر به سمت جلو می‌شود. نویسنده به این نتیجه می‌رسد که الهامات شعری دو منبع دارد: حساسیت شاعر و سازوکارهای عملی واکنش‌های کلامی

^۲ Kostyleff

(همان ۹۲۱). بنابراین، شعرای بزرگ علاوه بر حساسیت شاعری اشراف کاملی نیز بر سازوکارهای مذکور دارند. کاستیلوف متذکر می‌شود که شاعر، هم به‌طور غریزی در کودکی و هم عمداً در دوران بلوغ، در تلاش است تا دایرهٔ واژگان ادبی و غنای فهم عروضی خود را با خواندن ادبیات افزایش دهد (همان ۹۲۲). کنراد پاتر آیکن بیان می‌کند که دو جهت‌گیری در مواجهه با شعر یا دو نوع ارزش شعری وجود دارد: (الف) تمرکز بر هیئت ظاهری شعر - تمرکز بر فرم زبان، سبک، رنگ‌وبو و حال‌وهوا و بافت زبانی شعر. هدف این است تا تأثیر حسی و عاطفی به شکلی زیرکانه اتفاق بیفتد. (ب) تمرکز بر محتوا (همان ۹۲۳). نگارنده چهارچوب نظری کنراد پاتر آیکن (۱۹۱۷) را در قالب «مدل سازوکار خلق شعر» به شکل زیر پیشنهاد می‌دهد:

مدل سازوکار خلق شعر

مدل سازوکار خلق شعر رویکردی دو بُعدی برای فهم و خلق شعر می‌باشد. الگوی مذکور شامل دو جهت‌گیری اساسی است که شاعر می‌تواند برای خلق شعری تأثیرگذار و پرطنین اتخاذ نماید.

۱. جهت‌گیری فرم-محور: این بُعد از مدل سازوکار شعر حول جنبه‌های بیرونی آن می‌چرخد و بر عناصر بصری و حسی تمرکز دارد. شعری که این جهت‌گیری را اتخاذ می‌کند به سازوکارهای شعری زیر توجه دقیق دارند: (الف) فرم زبان: شعرا کلمات را با دقت انتخاب و مرتب می‌کنند و از ترکیبات، ساختارها و الگوهای منحصر به فرد برای ایجاد یک بافت زبانی متمایز استفاده می‌کنند. تأثیر متقابل صنایع ادبی همانند واج-آرایی، قافیه، اوزان شعری و استعاره تجربهٔ شعری را غنی می‌کند. (ب) سبک و تصویرسازی: هر شاعری دارای سبکی متمایز است که در آثارش متجلی می‌شود. تصویرسازی با دقت هر چه تمام توسط شاعر در تاروپود شعر تنیده شده است و با استفاده از توصیف‌های واضح و جزئیات حسی باعث برانگیختن احساسات و ترسیم تصاویر ذهنی پویا و سرزنده می‌شود. (پ) رنگ‌ها و رایحه‌ها: استفادهٔ استعاری و نمادین از رنگ‌ها و رایحه‌ها خواننده را به سفری حسی راهی نموده و او را در دنیایی از عواطف و احساسات غوطه‌ور می‌سازد. (ت) اتمسفر و حال‌وهوا: شعرا با ساختن دقیق لحن و فضای شعری، درگیر کردن احساسات خواننده و خلق پس‌زمینهٔ احساسی موردنظر، فضا و حال و هوای خاصی را ایجاد می‌کنند. هدف اصلی شاعرانی که جهت‌گیری فرم-محور را اتخاذ می‌کنند، تحریک

هوشمندانهٔ پاسخ‌های حسی و عاطفی از طریق دست‌کاری ماهرانهٔ زبان و ابزارهای شعری است.

۲. جهت‌گیری محتوا-محور: بُعد دوم مدل سازوکار شعر بر هستهٔ درونی شعر - محتوا، ایده‌ها و احساسات منتقل شده توسط شاعر - تأکید می‌کند. عناصر کلیدی این جهت‌گیری عبارت‌اند از: (الف) مضامین و موضوعات: شاعران به بررسی مضامین مختلف می‌پردازند. آنها تجربیات انسانی، مسائل اجتماعی، عواطف و مفاهیم فلسفی را بررسی می‌کنند. این مضامین به‌عنوان پایه و اساس شعر عمل کرده و معانی عمیق‌تر و حقایق جهانی را منتقل می‌کنند. (ب) طنین عاطفی: کلمات با دقت انتخاب شده‌اند تا احساسات قدرتمندی را برانگیزند و شعر را قادر می‌سازند تا با قلب و روح خواننده ارتباط برقرار کند. توانایی شاعر در بیان واقعی احساسات، پیوند عمیقی بین خواننده و شعر برقرار می‌کند. (پ) ژرفای فلسفی: شعرا غالباً تعمق و تأملات فلسفی را در ابیات خود جای می‌دهند و خوانندگان را تشویق می‌کنند تا در مورد سؤالات وجودی تأمل نمایند تا بینش‌های عمیقی بیابند. (ت) صدای شخصی: صدا و دیدگاه منحصر به فرد هر شاعر، شعر را با اصالت القا کرده و آن را به بازتابی واقعی از افکار و احساسات درونی آنها تبدیل می‌کند. شعری که جهت‌گیری محتوا-محور را اتخاذ می‌کند، می‌کوشد شعرهایی بیافریند که عقل را درگیر کرده، احساسات را برانگیخته و تأثیری ماندگار بر ذهن خواننده بگذارند.

ترکیب هماهنگ: در مدل سازوکار خلق شعر، قوی‌ترین و پرطنین‌ترین شعرها زمانی خلق می‌شوند که شاعران تعادلی هماهنگ بین جهت‌گیری‌های فرم-محور و محتوا-محور برقرار کنند. اگر شاعر به‌کارگیری هنرمندانهٔ زبان، تصاویر و محیط را با مضامین و عواطف عمیق و صدای شخصی خویش همراه سازد آن‌گاه نتیجهٔ کار وی شاهکاری شاعرانه خواهد بود که هر خواننده‌ای را مجذوب خود کرده، در روح او رخنه نموده و تخیل وی را شعله‌ور خواهد ساخت.

شاعران موفق در هر دو بُعد مذکور حرکت نموده و با مهارت از سازوکارهای شاعرانه برای خلق ترکیب هماهنگ و سمفونی‌وار واژگان بهره می‌جویند و این کار آنان موجب می‌شود تا خواننده تجربهٔ هنری ماندگاری را در قلب و ذهن خود ثبت نماید. مدل سازوکار خلق شعر به‌عنوان یک چهارچوب راهنما برای شاعران مشتاق عمل کرده و آنها را تشویق می‌کند تا رویکردهای متنوعی را برای خلق شعر ماندگار کشف و آزمایش کنند.

روش

این تحقیق با به‌کارگیری رویکرد تحلیلی کنراد پاتر آیکن در ترجمه، به دنبال روشن کردن جنبه‌های شناختی دخیل در انتقال معنای شاعرانه از زبانی به زبان دیگر است. برای نیل به این مهم، ترجمه شعر انگلیسی «When You Are Old» به ترکی با استفاده از مدل سازوکار خلق شعر باهدف بررسی و شناخت تصمیمات پیچیده و اقتباس‌های خلاقانه ذهنی شاعر مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در گام بعدی، ترجمه شعر مذکور با ترجمه‌هایی از زبان‌های فارسی و انگلیسی مقایسه و مباحث تکمیلی بین‌زبانی پیرامون ملاک‌های سنجش کم‌و کیف موفقیت ترجمه مطرح خواهد شد.

۴. نتایج و بحث و بررسی

ترجمه منظوم شعر

اثر بیست شعر است سه بندی که در هر بند چهار خط یا مصرع وجود دارد. در واقع، این شعر سه بندی دارای دوازده مصرع یعنی شش بیت است. بند اول شعر بدین قرار است:

When you are old and grey and full of sleep,
And nodding by the fire, take down this book,
And slowly read, and dream of the soft look
Your eyes had once, and of their shadows

deep;

اگر عنوان شعر یعنی when you are old را در ترکی قوجالاندا (زمانی که پیر شوی) ترجمه نماییم، بالطبع، خصوصیت الصافی بودن زبان ترکی در عنوان کاملاً مشهود خواهد بود. انتخاب قافیه مناسب ترکی در این ترجمه بسیار حائز اهمیت است. در توضیح سازوکار ترجمه موزون شعر مذکور باید اشاره کرد که در مصرع اول شعر انگلیسی، سه واژه بیشترین شانس را برای قافیه شدن در ترجمه ترکی خواهند داشت: قوجا (پیر) (old)، باش آغارماق (سفیدشدن موی سر) (grey) و یوخو/یاتماق (خواب/خوابیدن) (sleep). نکته بعدی که باید مترجم مدنظر داشته باشد این است که مصرع دوم در ترجمه باید برعکس متن انگلیسی با مصرع اول هم‌قافیه باشد. بنابراین، کاندیداهای قافیه در این مصرع باید با یکی از کاندیداهای قافیه در مصرع اول هم‌قافیه باشند. در مصرع دوم، سه واژه یاتماق/هوشلانماق (خوابیدن/خواب‌رفتن یا چرت‌زدن) (nodding)، آتش/گرما (fire) و کتاب/دفتر/شعر (book) بیشترین شانس را برای قافیه شدن در ترجمه ترکی خواهند داشت. آنچه که در ترجمه این شعر برای نگارنده این سطور اتفاق افتاد به این شرح است. با بررسی ذهنی سه عبارت

قوجا، باش آغارماق و یاتماق ناگهان این بیت شهریار «گلنر تانیرام بختیمی ایندی آغارار صحیح/ قاش بیله آغاردیقجا داها باش دا آغاری» به ذهن متبلور شد که فعل باش آغارماق به همراه «د/ا» (به معنی هم، نیز، علاوه‌بر) به‌عنوان ردیف به کار رفته است. جالب اینجاست که در این غزل مشهور شهریار با مطلع «ولدوز ساییراق گؤزله میشم هر گنجه یاری/ گنج گلمه- دهدیر یار، بیئه اولموش گنجه یاری»، فعل هوشلانماق به شکل هوش آپاری در یکی دیگر از ابیات آن به کار رفته است: «بیر قوش آبیغام! سؤیلیه رک گاهدان اییلدهر/ گاهدان اونودا یئل دئییه لای- لای هوش آپاری». به بیان ساده، آنچه در این دو بیت برای قافیه می‌خواستیم در این غزل شهریار موجود است: باش آغارماق (grey) و هوش آپارماق (nodding) (شهریار: ۲۰۰۵). شاید اگر موضوع شانس و اتفاق را کنار بگذاریم، بتوان این‌گونه استدلال کرد که تسلط مترجم شعر به ادبیات، خاصه شعر زبان مقصد در کنار ذوق شاعری مترجم از اهمیت بالایی در ترجمه موفق شعر برخوردار است. حال اگر مترجم علاوه بر تسلط بر ادبیات زبان مقصد بتواند ترجمه منظوم را با توجه به اصول شعری آن زبان به نحو قابل‌قبولی ارائه دهد آنگاه ترجمه خوبی ارائه خواهد نمود. پس از استخراج قافیه باش آغارماق (grey) و افعال قوجالماق (you are old) و چوخ یاتماق (زیاد خوابیدن) (full of sleep)، این مصرع پیشنهاد می‌شود: قوجالیب چوخ یاتاجاقسان، باش آغاردی! (آن زمان که موهایت سپید گردد، پیر و بسیار خواب‌آلود خواهی شد!).

در مصرع دوم، مفهوم در کنار آتش گرم شدن (by the fire) و آنگاه به خواب رفتن (nodding) به همراه قافیه هوش آپارماق در اختیار مترجم است. با توجه به این مفاهیم، مصرع دوم چنین پیشنهاد می‌گردد: قیزیشیب ایستی ده، هردن هوش آپاردی، (در کنار آتش گرم شده و گاهی آرام آرام به خواب خواهی رفت). در ادامه شعر چنین داریم: این کتاب/دفتر (شعر) را برداشته (take down this book) و به آرامی بخوان (slowly read) آن ناز نگاه (soft look) و سایه‌های عمیقی (shadows deep) را که چشمانت (your eyes) داشت (had once). ترجمه مصرع سوم چنین پیشنهاد می‌شود: اوخو اوندا آستا بو شعری، یادا سال: (آنگاه آهسته این شعر را بخوان و به‌خاطر بیاور:). در مصرع چهارم، شاید سخت‌ترین کار یافتن قافیه باشد. یکی از بخش‌های جمله «چشمانی که ناز نگاه و سایه‌ای عمیق دارد» باید هم‌قافیه آغاردی و آپاردی در بیت

اول باشد. فعل «داشت» (had) در ترکی یعنی واژه واردی گزینه مناسبی است که با واژه‌های آغاردی و آپاردی نیز هم‌قافیه است. با توجه به این توضیحات، مصرع چهارم چنین پیشنهاد می‌شود: *گوزووون ناز باخیشی، کؤلگه‌سی واردی!* (چشمانت نگاه ناز و سایه داشت). البته در این مصرع واژه عمیق (deep) ترجمه نشد. با توجه به آنچه بیان شد، بند اول شعر بیتس که شامل دو بیت است به این شکل ترجمه می‌گردد:

*قوجالیب چوخ یاتاجاقسان، باش آغاردی!
قیزیشیب ایستی‌ده، هردن هوش آپاردی،
اوخو اوندا آستا بو شعری، یادا سال:
گوزووون ناز باخیشی، کؤلگه‌سی واردی!*

در واقع، ترجمه منظوم شعر بیتس به ترکی را اگر بخواهیم به انگلیسی برگردانیم آنگاه ساخت نحوی ذیل را خواهیم داشت:

You are old and full of sleep when you are grey,

And nodding by the fire,

Take down this book then and slowly read

And dream of the soft look your eyes had once, and of their shadows deep;

افزودن چند نکته پیرامون ساخت نحوی فوق ضروری می‌نماید. نخست، چون زبان ترکی و انگلیسی ساخت‌های دستوری و نحوی متفاوتی دارند، مترجم ناگزیر به چینیس دستوری مختص زبان شعری مقصد است. در برخی موارد، مترجم می‌تواند ساخت نحوی نزدیک‌تری را به متن زبان مقصد برگزیند اما از آنجایی که حفظ قافیه‌ها در ترجمه فوق از اهمیت بالایی برخوردار است، مترجم ناگزیر تقدم و تأخر برخی عبارات را بر هم می‌زند که می‌تواند در ساخت گفتمانی آن تأثیر بگذارد. شاید از این روست که نتوان ترجمه‌ای صددرصدی به شکل موزون از شعر ارائه نمود. منتها، آنچه که اهمیت دارد، تلاش حداکثری مترجم همراه با ذوق ادبی وی برای انتقال حداکثری معنی و حتی گفتمانی با حفظ فرم زبانی است. برای نیل به این مهم، اصلی‌ترین دغدغه‌های مترجم در ترجمه این بند عبارت - اند از: (۱) تلاش حداکثری برای انتقال کامل معنی از زبان مبدأ به زبان مقصد با وجود تفاوت‌های نحوی زبان (۲) حفظ فرم شعری در زبان مقصد. و در راستای تعامل دو مورد مذکور (۳) به حداقل رساندن حذفیات و اضافات هنگام ترجمه. مترجم امیدوار است اگر موارد مذکور به شکل درست انجام شود، خواننده با غزلی در زبان مقصد مواجه خواهد شد که رنگ‌وبوی

ترجمه ندارد و در بافت زبانی، فرهنگی و شعری زبان مقصد، از خواندن شعر لذت خواهد برد. البته، سنجش این ادعا به دو دلیل در این جستار انجام نخواهد شد. اولاً، این موضوع از حوصله پژوهش پیش روی خارج است. ثانیاً، از آنجایی که نگارنده، خود مترجم است، سنجش این ادعا باید به وسیله شخص ثالث صورت پذیرد. در ادامه به بررسی بند دوم شعر بیتس می‌پردازیم:

How many loved your moments of glad grace,
And loved your beauty with love false or true,
But one man loved the pilgrim soul in you,
And loved the sorrows of your changing face;

در این بند عاشق شدن / دوست داشتن (love) چهار بار در معنای فعلی (یک بار در هر مصرع) و یک بار در معنی اسمی به کار رفته است. در ترکی عبارات متعددی به این معنی می‌توان مشاهده کرد. بهزاد بهزادی در فرهنگ لغت خود کلماتی چون *وورولماق* (عاشق شدن، دلباخته شدن: بهزادی: ۱۳۸۹: ۱۰۶۲)، *سؤمک*، *چوخ ایستمه‌ک*، *قادا آلماتق* (دردت بجوم، فدایت می‌شوم: بهزادی: ۱۳۸۹: ۷۹۶) و کلماتی از این دست را معادل عاشق شدن ارائه می‌نماید. بالطبع، فعل *قادا آلماتق* می‌تواند هم‌قافیه با ابیات پیشین شود. بنابراین، برای دو مصرع آغازین این بند، بیت زیر برای ترجمه پیشنهاد می‌شود: *وورولوب چوخلو عاشیق سنده‌کی نازه! / قاداوی، دوز یا یالان، اوزده آلاردی!* (عشاق زیادی عاشق ناز تو شده‌اند / درست یا نادرست! و در ظاهر دوست داشتند). البته، واژه زیبایی (beauty) در مصرع دوم ترجمه نشده و واژه / اوزده (در ظاهر) در متن اصلی به شکل مستقیم بیان نشده اما ظاهراً در معنی ضمنی درست با غلط (false or true) مستتر است. در مصرع سوم تقریباً متن انگلیسی به شکل کامل ترجمه شده اما در مصرع آخر این بند عبارت *قوجالماق* (پیرشدن) معادل (changing face) در نظر گرفته شده و در نتیجه این ترجمه پیشنهاد می‌شود. *تکجه من سؤدیم او «زوار روحی» سنده / سؤدیم او عملی اوزون، چون قوجالاردی!* (تنها من عاشق آن روح زائر در تو شدم / عاشق آن صورت غمگینت که پیر می‌شد). بند آخر شعر نیز بدین قرار است:

And bending down beside the glowing bars,

Murmur, a little sadly, how Love fled

And paced upon the mountains overhead

And hid his face amid a crowd of stars.

برای بند آخر ترجمه ذیل پیشنهاد می‌شود:

در میان ستارگان مخفیانه خواهد نگرست!). دو واژه (glowing) و (overhead) در ترجمه حذف شده است. افزودن استفهام انکاری از دیگر تفاوت‌های ترجمه و متن اصلی است. ترجمه کامل شعر به همراه متن اصلی آن در جدول ذیل ارائه شده است:

بوکولوب اود کناریندا بئله غمگین،/ سن پیچیلدا: نجه کی سئوگی قاچاردی! (کنار آتش حزن انگیز خمیده بنشسته/ و چنین نجوا کن: چگونه عشق چنین گریزان است!). گوره جکسن کی قاچیب داغلارا عشقین/ گندیب اولدوزلار ایله گیزیلی باخاردی! (آنگاه خواهی دید که عشقت رو به کوه‌ها گریخته/ و

جدول ۱: ترجمه منظوم شعر (When you are old) ویلیام بیتس به ترکی

When you are old and grey and full of sleep, And nodding by the fire, take down this book, And slowly read, and dream of the soft look Your eyes had once, and of their shadows deep;		قوجالیب چوخ یاتا جاقسان، باش آغاردی! قیزیشیب ایستی ده، هردن هوش آپاردی، اوخو اوندا آستا بو شعری! یادا سال: گوزووون ناز باخیشی، کؤلگه سی واردی!
How many loved your moments of glad grace, And loved your beauty with love false or true, But one man loved the pilgrim soul in you, And loved the sorrows of your changing face;		وورولوب چوخلو عاشیق سنده کی نازه! قاداوی، دوز یا یالان، اوزده آلاردی! تکجه من سئودیم او «زوار روحی» سنده سئودیم او غملی اوزون، چون قوجالاردی!
And bending down beside the glowing bars, Murmur, a little sadly, how Love fled And paced upon the mountains overhead And hid his face amid a crowd of stars.		بوکولوب اود کناریندا بئله غمگین، سن پیچیلدا: نجه کی سئوگی قاچاردی! گوره جکسن کی قاچیب داغلارا عشقین گندیب اولدوزلار ایله گیزیلی باخاردی!

متن اصلی در برخی موارد دست مترجم را خواهد بست. برای فهم بهتر موضوع، شباهت‌ها و تفاوت‌های متن اصلی و ترجمه شعر، قافیه‌ها، حذفیات و اضافات در جدول‌های ۲ و ۳ نشان داده شده است.

انتخاب قافیه مناسب منطبق بر متن اصلی در ترجمه شعر مهم است. اگر مترجم بتواند همه و یا بیشتر قافیه‌های ترجمه منظوم خویش را از ترجمه لغات و عبارات متن اصلی برگزیند کاری بس ارزشمند کرده است. منتها، وفاداری بیش از حد به

جدول ۲: انتخاب قافیه در ترجمه ترکی با توجه به لغات و اصطلاحات در شعر انگلیسی

معنی تحت‌اللفظی قافیه ترکی	قافیه در ترجمه ترکی	کلمه/عبارت در شعر انگلیسی	مصرع
موی سر سفید شد	باش آغاردی	Grey	اول
به خواب رفت/چرت زد	هوش آپاردی	Nodding	دوم
داشت	واردی	Had	چهارم
فدایت می‌شد	قاداوی آلاردی	Love	ششم
پیر می‌شد	قوجالاردی	Changing face	هشتم
عشق می‌گریخت	سئوگی قاچاردی	Love fled	دهم
مخفیانه می‌نگرست	گیزیلی باخاردی	Hid his face	دوازدهم

جدول ۳: حذفیات و اضافات

مصراع	حذفیات	معنی فارسی	اضافات	معنی فارسی
دوم	---		هردن	گاهی
چهارم	Once, deep	زمانی، عمیق	----	
پنجم	Moments	لحظات	----	
ششم	Beauty	زیبایی	----	
نهم	Glowing	برافروخته	----	
یازدهم	Overhead	بالایی، بالای سر	گوره‌جکسن	خواهی دید
دوازدهم	---	---	گندیب	رفته

تحلیل ترجمه از منظر شناختی

حال پس از ارائه مطالبی پیرامون آنچه که در ذهن مترجم اتفاق افتاد، به بررسی ترجمه شعر از دیدگاه چهارچوب نظری پژوهش حاضر خواهیم پرداخت. همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، کاستیلوف در جست‌وجوی رموزراز خلق شعر توسط شعرا به این نتیجه رسید که منبع خلق شعر، محرکی خارجی بوده و این محرک باعث خلق کلامی بداهه می‌شود که متناظر با آن محرک است. همچنین، خود شاعر نیز بر این موضوع واقف است. ترجمه شعر نیز می‌تواند چنین باشد. مترجم هر شعری را ترجمه نمی‌کند. برای نمونه، از میان اشعار ترکی شهریار، تنها «حیدربابایا سلام» او به زبان‌های مختلف ترجمه شد. دیگر اشعار او یا به زبان دیگر ترجمه نشده‌اند یا تنها به یک یا دو یا چند زبان محدود ترجمه شدند. بنابراین، شهرت یافتن حیدربابای شهریار در کنار ارزش‌های ادبی خود حیدربابا محرک خارجی این اثر برای ترجمه به‌شمار می‌رود. حال در مورد شعر مورد بررسی در پژوهش حاضر نیز همین موضوع صادق است. شهرت شاعر و نیز جایگاه وی در ادبیات انگلیسی به همراه برجسته بودن شعر مورد بررسی، همگی عوامل خارجی هستند که به‌عنوان محرک عمل کرده و نگارنده را ترغیب به ترجمه آن نموده است.

نکته بعدی به ارزش شعری مرتبط است. همان‌گونه که ذکر شد، از منظر کنراد پاتر آیکن آثار هنری از جمله شعر دارای دو نوع ارزش شعری است: هیئت ظاهری و محتوای شعری. اگر این تقسیم‌بندی را بپذیریم، آنگاه می‌توان افزود که در ترجمه شعر تمرکز اصلی مترجم باید بر هیئت ظاهری شعر باشد. البته افزودن این نکته ضروری می‌نماید که مترجم در

کنار حفظ ظاهر شعر باید تلاش کند تا محتوا تا حد ممکن به شکل کامل به زبان مقصد انتقال یابد. در ترجمه متون غیرشعری، تمرکز اصلی بر محتوا است تا هیئت ظاهری. اما در ترجمه موزون شعر، علاوه بر امانت‌داری در انتقال محتوا، سخت‌ترین کار حفظ هیئت ظاهری اثر هنری است. به‌عبارت-دیگر، مترجم شعر وظیفه انتقال دو ارزش شعری را بر عهده دارد. وظیفه نخست انتقال محتوا و معنی شعر است که این وظیفه را مترجمان دیگر آثار نیز بر عهده دارند. ولی آنچه کار مترجم ادبی، خاصه مترجم شعر را از دیگر انواع ترجمه‌ها مستثنا می‌کند حفظ هیئت ظاهری شعر است. اگر تعریف کنراد پاتر آیکن را در مورد هیئت ظاهری بپذیریم آنگاه مواردی چون فرم زبانی شعر (مثلاً غزل در نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر)، سبک، حال و هوای شعر، و بافت و تمرکز بر انتقال زیرکانه و عاطفی اثر هنری به خواننده باید موردتوجه قرار گیرد. برای نمونه، این مترجم است که یکی از اوزان عروضی (مثلاً فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) را برگزیده و آنگاه در تمامی ابیات به وزن عروضی منتخب وفادار می‌ماند. به‌عنوان مثال، در ترجمه ارائه شده در این پژوهش، مترجم یک غزل ۶ بیتی متحدالوزن را به‌عنوان فرم زبان مقصد برای ترجمه یک شعر سه بندی انگلیسی برگزیده است.

از دیگر نکات مرتبط با هیئت ظاهری و محتوا که می‌توان در ترجمه شعر مدنظر داشت موضوع موسیقی شعر و تصاویر است. امکان انتقال تصاویر در ترجمه تقریباً به شکل کامل ممکن است. اما انتقال موسیقی شعر، از آنجایی که زبان عوض می‌شود، موضوعی کاملاً متفاوت است. برای نمونه، در شعر مورد بررسی در مطالعه حاضر الگوی قافیه‌ها در شعر انگلیسی

به این شکل است: ABBACDDCEFFE. به این معنی که مصرع اول با مصرع چهارم هم‌قافیه است و مصرع دوم با مصرع سوم، همچنین، مصرع پنجم با مصرع هشتم و مصرع ششم با هفتمین مصرع و به همین منوال. حال مترجم دو راه در پیش روی دارد. همین الگوی شعر انگلیسی را برداشته و عیناً به زبان مقصد انتقال دهد که نوعی خرق عادت خواهد بود و احتمالاً مقبول واقع نشود. یا اینکه یکی از الگوهای شعری زبان مقصد که بیشترین مشابهت را به الگوی مذکور دارد انتخاب کرده و ترجمه را در آن قالب ارائه نماید. بالطبع، غزل مشابهت زیادی را به این الگو دارد. بنابراین مترجم الگوی AABACADAFAGA را برای ترجمه خود انتخاب می‌کند. بنابراین، مترجم در مورد حفظ موسیقی شعر باید به تمام قواعد

مربوط به غزل مقید باشد و از سوی دیگر تمام تصاویر زبان مبدأ را عیناً به زبان مقصد انتقال دهد. البته اگر مترجم شعر دارای جایگاه ویژه‌ای در ادبیات زبان مقصد باشد، احتمالاً موضوع اندکی متفاوت‌تر خواهد بود. حال اجازه دهید چند مثال از ترجمه‌های موفق را در این بخش از پژوهش مرور کنیم. از شعرای بنام ادبیات فارسی و ترکی در دوره مشروطه که در کنار آثار ماندگار خود دست به ترجمه‌های موفق زده‌اند، می‌توان به میرزا علی‌اکبر صابرطاهرزاده و میرزا اشرف‌الدین قزوینی اشاره نمود. صابر که از پیشاتازان ادبیات طنز ایران و قفقاز به‌شمار می‌رود در کنار آثار انتقادی خود چند نمونه ترجمه نیز به یادگار گذاشته است. یکی از بهترین نمونه‌های ترجمه وی ترجمه بیت زیر از حافظ است.

جدول ۴: نمونه ترجمه موفق صابر از حافظ

متن اصلی شعر حافظ	ترجمه صابر از شعر حافظ
پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم!	ساتدی گولزار بهشتی ایکی بوغدایه آتام ساتماسام ناخلفم من اونو بیرآریابه!

صابر به قدری در ادبیات مشروطه تأثیرگذار است که اکثر شعرا و منتقدین آن دوره تحت تأثیر او بوده‌اند (شهیدی تبار، ۲۰۲۳). یکی از این چهره‌های ادبی، میرزا اشرف‌الدین قزوینی

یا همان نسیم شمال است. یکی از بهترین ترجمه‌های اشرف از صابر شعری تحت عنوان «تازیانه» است که در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۵: نمونه ترجمه موفق اشرف گیلانی از صابر

متن اصلی شعر صابر	ترجمه اشرف از شعر صابر
گوژمه! باش اوسته! یومارام گوژلریم! دینمه! مطیعم! کسه‌رم سوژلریم!	دست مزن! چشم! بیستم دو دست! راه مرو! چشم! دو پایم شکست!
بیر سوژ ائشیتیمه! قولاغیم باغلارام! گولمه! پکی! شام و سحر آغلارام!	حرف مزن! قطع نمودم سخن! نطق مکن! چشم! بیستم دهن!
قانما! باجارمام! منی معذور توت! بوئله‌جه تکلیف محالی اونوت!	هیچ نفهم! این سخن عنوان مکن! خواهش نافهمی انسان مکن!

آرین‌پور از ترجمه فوق به‌عنوان یکی از بهترین ترجمه‌های اشرف از صابر یاد کرده است که توانسته خصوصیات شعری صابر را حفظ نماید (آرین‌پور ۱۳۷۲: ۷۰). علت موفقیت ترجمه شعر توسط اشرف این است که اولاً اشرف شاعر بوده و ثانیاً به هر دو زبان ترکی و فارسی مسلط است. برای اثبات موفقیت ترجمه اشرف همین بس که اگر کسی صابر را شناسد و این شعر اشرف را بخواند، باور نخواهد که این شعر ترجمه است.

به‌عبارت‌دیگر، این شعر به‌قدری در عروض شعر فارسی خوب جای گرفته است که ترجمه‌بودن آن به ذهن خواننده خطور نمی‌کند. اگر بتوان صابر و اشرف را در ترجمه، شعرای موفق در زبان‌های ترکی و فارسی دانست آنگاه شاید بتوان در ادبیات انگلیسی شخصی مثل فیتزجرالد را نیز مترجمی موفق در ترجمه رباعیات خیام دانست. برای نمونه، به ترجمه یکی از رباعیات خیام توسط فیتزجرالد توجه کنید (سیدغراب: ۲۰۲۲):

جدول ۶: نمونه ترجمه موفق فیتزجرالد از خیام

ترجمه فیتزجرالد از خیام	متن اصلی شعر خیام
<p><i>There was the Door to which I found no Key;</i> <i>There was the Veil through which I might not see:</i> <i>Some little talk awhile of ME and THEE</i> <i>There was—and then no more of THEE and ME.</i></p>	<p>اسرار ازل را نه تو دانی و نه من وین حرف معما را نه تو خوانی و نه من هست از پس پرده گفت و گوی من و تو چون پرده برافتد، نه تو مانی و نه من</p>

با وجود شباهت بسیار زیاد ترجمه منظوم شعر و خلق شعر توسط شاعر، تفاوتی بسیار ظریف میان خلق شعر و ترجمه آن وجود دارد. شاعر هنگام خلق شعر پس از دریافت محرک خارجی دست به قلم برده و احساسات خود را - احتمالاً - بدون محدودیتی در قالب کلام بر روی برگه جاری می‌کند. از دریا و ستارگان، از آهو و خیابان و هر آنچه که می‌خواهد بهره‌جسته و احساسات خود را بیان می‌کند. اما مترجم محدود به تصاویر و مضامینی است که در شعر زبان مبدأ خلق شده است. به اعتقاد نگارنده، شاعر و مترجم ادبی هر دو وارد باغ ادبیات می‌شوند با این تفاوت که شاعر هر گلی را که دوست دارد خواهد چید اما مترجم باید آهسته و با دقت دسته‌گلی گلچین کند که یک سوی آن به ذهن شاعر در زبان مبدأ متصل باشد و سوی دیگر آن به ذهن خود و از این حیث شاید بتوان گفت که کار مترجم شعر بسی دشوارتر از شاعر است.

حال به این توضیحات سؤالی مطرح می‌شود: آیا ترجمه ترکی شعر بی‌تس که در این جستار توسط نگارنده ارائه شده ترجمه موفق است یا خیر؟ پاسخ به این پرسش نیازمند دو مسئله است: الف) گذر زمان و مشاهده واکنش شعردوستان زبان ترکی، ب) ارزیابی آن توسط شخص ثالث.

۶. فهرست منابع

- Aiken, C. (1917). *The Mechanism of Poetic Inspiration. The North American Review*, 206(745), 917-924.
- Javadpour, N. & Zare Behstah, E. (2009). A new strategy for translating classical English poetry: Milton's "On His Blindness", *Translation Studies*, 7(27).
- Şehriyar, M. (2005). *Məhəmməd Hüseyin Şehriyarın seçilmiş əsərləri (A poetry collection of Mohammadhossein Shahriar)*. Bakı: Avrasiya Press.

در موفقیت ترجمه فوق‌همین بس که در کتاب نورتون ادبیات انگلیسی بخشی تحت عنوان رباعیات خیام با ترجمه فیتزجرالد گنجانده شده است. نکته قابل توجه این است که صابر، اشرف و فیتزجرالد همگی از شعرای مطرح در زبان‌های ترکی، فارسی و انگلیسی در عصر خود بودند. بالطبع، نمی‌توان انتظار داشت که مترجم ادبی موفق باید در تراز آنان باشد. اما شاید بتوان این‌گونه گفت که اگر مترجمی بتواند اشعار ترجمه‌ای خود را به هر یک از آنان نزدیک کند آنگاه ترجمه او موفق بوده است. به عبارت دیگر، ترجمه‌هایی از این دست به عنوان معیار ارزیابی میزان موفقیت ترجمه خواهند بود. نکته قابل تأمل در هر سه ترجمه ارائه شده در این بخش این است که هر سه شعر، اگر فرض بر این باشد که ترجمه نباشند، در زبان خود از اشعار خوب آن زبان به‌شمار می‌روند. بنابراین، ترجمه شعر زمانی به موفقیت می‌رسد که اثر ترجمه شده در زبان مقصد برای خود به‌عنوان شعر اصیل آن زبان جا باز کند که کاری بس دشوار اما ممکن است.

۵. نتیجه‌گیری

مترجم شعر برای دستیابی به ترجمه موفق باید در دو حوزه انتقال معنی و حفظ فرم شعر به موفقیت دست یابد. انتقال معنی همانند دیگر متون است و در صورت تسلط مترجم به زبان مبدأ و مقصد می‌تواند به شکل کامل اتفاق بیفتد. اما برای انتقال فرم شعر، مترجم لاچارم باید در زبان مقصد در هیئت یک شاعر ظاهر شود. بررسی اشعار ترجمه شده در زبان‌های ترکی، فارسی و انگلیسی نشان داد که مترجمان موفق اشعار، شعرای موفق هستند. احتمالاً تسلط تنها بر عروض و ساخت‌های شعری در زبان مقصد مکفی نبوده و مترجم باید حتماً ذوق شعری داشته و حتی شاعر نیز باشد. البته، تسلط مترجم بر ادبیات زبان مقصد نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. شاید بتوان این‌گونه گفت که اگر شعر ترجمه شده در زبان مقصد به‌عنوان شعر بومی آن زبان مقبول افتد، آنگاه ترجمه شعر موفق بوده است. یکی از ملاک‌های سنجش کم‌وکیف موفقیت ترجمه ارجاع به ترجمه‌های موفق آن زبان است.

ترجمه آن‌ها. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم/انسانی، ۲۲-۹، ۱۴۱-۱۶۴.
 منصفی، رؤیا، تیما، مهدی و یل شرز، رضا. (۱۴۰۲). ترجمه به‌مثابه تهاجم: بازخوانی تقابلی ترجمه و فرهنگ. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۲-۱۳، ۲۱۵-۲۲۸.

Shahiditabar, M. (2023). When Persia meets the caucuses through poetry: Ashraf of Gilan's allusion to Mirza Alakbar Sabir during the Iranian constitutional era. *International Journal of Turkish Literature Culture Education*, 12(2), 482-495.

Seyed Gohrab, A. (2022, June 24). "There was a Door to which I found no Key". <https://www.leidenmedievalistsblog.nl/articles/there-was-a-door-to-which-i-found-no-key>.

Yeats, W. B. 1 (1977). *The collected poems of W. B. Yeats*. New York, The Macmillan company.

آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. جلد دوم (ویرایش پنجم). تهران. زوآر.

بهزادی، بهزاد (۱۳۸۹). *فرهنگ آذربایجانی-فارسی (ترکی)*. تهران. فرهنگ معاصر.

بشیری، علی و محمدی، اویس (۱۳۹۷). *میزان کارآمدی رهیافت‌های لفور در ترجمه شعر بین زبان عربی و فارسی*. جستارهای زبانی. ۴-۴۶، ۱۳۷-۱۵۶.

زند رحیمی، مینا، هادی‌پور، هدی و کمالی مقدم، حمیده (۱۳۹۹). *بررسی انتقال مؤلفه‌های پایداری در فرایند ترجمه: مطالعه موردی ترجمه انگلیسی سعید سعیدپور از اشعار قیصر امین‌پور*. فصلنامه علمی *مطالعات بیداری اسلامی*. ۹-۱۸، ۶۵-۸۳.

غلامی، حسین، سعیدی، علی و اسکندری، مهنوش (۱۳۹۱). *نقد آواشناختی ترجمه غزل «روز وصل دوستداران یاد باد، یاد باد آن روزگاران یاد باد» حافظ به زبان روسی*. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۲-۲، ۸۵-۹۸.

فرهادنژاد، عباس. (۱۳۹۸). *انتقال آوایی شعر فرانسه در رسم‌الخط فارسی*. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۹-۴، ۱۱۶۷-۱۱۸۰.

مقدم چرکاری، جیران. (۱۴۰۱). *متون التقاطی، ادبیات چیکانو و نقش مترجم به‌عنوان کنشگر اجتماعی در فرایند*